**نقد ادبی: رمان امروز**

**آنتونی برجس**

**معصومی، علی**

آنتونی برجس‏ ترجمهء علی معصومی‏ آنتونی برجس رمان‏نویس و منتقد ادبی معاصر در سال‏ 1917 در منچستر به دنیا آمده است.پس از پایان تحصیل‏ به کار در اداره مستعمرات انگلستان در داخل کشور و در مالایا و برونئی پرداخت که خاطرات این دوره الهامبخش‏ بسیاری از کارهای او شد.در موسیقی و زبان‏شناسی دست‏ داردو سبک و محتوای کار او بر شالودهء این دو مهارت‏ استوار است.او تا به امروز بیش از 16 رمان و چند کتاب‏ نقد ادبی نوشته است.در ایران بیشتر او را با فیلم‏ "پرتغال کوکی‏"که از روی رمانی به همین نام به قلم وی‏ ساخته شده است می‏شناسیم.یکی از آثار انتقادی او "رمان امروز"است که در فصل سیزدهم آن با عنوان‏ "واردات و صادرات‏"به بررسی رمانهای انگلیسی زبان‏ غیر انگلیسی و غیر امریکائی می‏پردازد.بجس اینگونه‏ رمانها را به سه دسته تقسیم می‏کند:

دسته اول:رمانهائی که انگلیسی‏های ساکن انگلستان‏ دربارهء آسیا و افریقا نوشته‏اند.

دسته دوم:رمانهائی که انگلیسی‏های ساکن خارج دربارهء آسیا و افریقا نوشته‏اند.

و دسته سوم:رمانهائی که انگلیسی زبانهای آسیا و افریقا نوشته‏اند.

این روزها با توجه به انتشار آثار و.س.نی‏پل، شیوانی‏پل نارایان بی‏مناسبت ندیدم که بخشی از ترجمهء این فصل را که به نویسندگان هند و ترینیداد می‏پردازد در اینجا گزارش کنم:

در هندوستان،زبان انگلیسی،زبان ادبی سراسری نیست و کسانی که به انگلیسی‏ می‏نویسند بیشتر چشم به خارج دارند و خوانندگان خود را در میان کتابخوانهای غربی‏ می‏جویند،اما آنچه صادر می‏کنند خود هند است شاید بتوان راجارائو1را ظریفترین‏ رمان‏نویس هندی دانست که در"مار و طناب‏"2می‏کوشد تا ضرباهنگ‏ها سانسکریت را به زبان انگلیسی بیفزاید و آن را به رسانه‏ای مناسب ابلاغ روح هنری بدل کند.ر.ک. نارایان‏3کار متمایزی می‏کند.در"معلم انگلیسی‏"4که از آثار نخستین او است و در "آدمخوار مالگودی‏"5که از آثار آخری اوست،کیفیت‏های طنز و سوز را درهم می‏آمیزد.

این آمیزه در خطر پهلو زدن به احساساتیگری است اما هرگز بدان پهلو نمی‏زند.

نارایان از عجین کردن فانتزی و ناتورالیسم هراسی ندارد.تازه‏تریمن استعداد نویسندگی‏ از آن بالا چاندرا راجا6است که دو رمان او"رقاص تیره‏"7"و زیاد ماندن در غرب‏"8 بسیار رندانه و عمی و زیبا نوشته شده‏اند.کتاب اخیر،پژوهشی هجوآمیز در زندگی‏ مدرن همد از دید دختری گل‏آلود و دورافتادهء خود بازگشته است.وی بیش از آن در غرب مادهاست که بتواند با هجوم خواستگاران که به دنبال چاپ یک آگهی در روزنامهء پدرش به سوی او روان شده‏اند با مهربانی رویارو شود.راجان عقیده هندیان دربارهء ازدواج را محور حملات طنزآمیز ولی مؤثر بر شیوه زندگی بسیار محافظه‏کارانه‏ای می‏گیرد که ناگزیر است خود را با با مقتضیات غربی سازگار کند.در عین حال غرب هم باید سیلی‏های ملایمی را تحمل کند:به هنگام غروب به اعماق فرو رفت و از احساس دوستی‏ آب و خاک تازه سرشار شد.به رستورانی رفت که به صورتی پرخاشگرانه امریکائی بود.

هیات‏های دلنشین ایتالیائی و هنگ‏کنگی و ترینیدادی،ساختار آن را از فروریختن در خیابان حفظ می‏کردند.خود را روی چارپایهء گردانی انداخت که برای باسنهای سایز چهاره‏و نیم اینچی ساخته شده بود.نگاه کردن به لیست غذا را دون شأن خود حساب می‏کرد.

غذاهای امریکائی را می‏شناخت و خوب می‏دانست باید چه نوع غذائی سفارش دهد تا او را حسابی شهروند امریکا نشان دهد.

-سوپ غلیظ صدف بوستون،جوجه بوقلمون تپاندهء سرخ شدهء ورمونت با سیب‏زمینی برشتهء طلائی نزد آیداهو و هلوی سردرخت رسیدهء کینگ سایز کالیفرنیا.

-خوراک سویا و کوفته سوئدی و استیک سویسی داریم.ولی آن غذاهای فانتزی مورد نظر شما را نداریم.

-(با کله شقی)پس یک هامبرگر می‏خورم.

-با سیب‏زمینی سرخ‏کرده؟

نالینی دندانهای زیبایش را روی فشرد و گفت:

-حتما"،با آن سیب‏زمینی‏هائی که بوی خاک امریکا می‏دهد و درست همانطور که‏ باید،در کره‏ای به تازگی خوشامد نیوانگلند سرخ شده است.بعدش هم یکی از آن‏ کلوچه‏هائی را برایم بیاورید که مادربزرگتان وقتی امریکا،امریکای واقعی بود می‏پخت.

-منظورتان کلوچهء خانگی است؟چرا به جای اینهمه زحمت کشیدن،همین کلمه را نمی‏گوئید؟کلوچه با بستنی فرانسوی می‏شود ده سنت.

نالینی با آهی نشانهء کوتاه آمدن بود به خوردن غذای بین المللی پرداخت‏"

رمانهای جنوب هند مانند آثار زاجان،بهخاطر عاطفه طنز بسیار متمدنانهء خود اهیمت دارند اما رمانهای شمالی از قابلیت‏هائی چون خشونت و شعر وحشی برخوردارند.

برجسته‏ترین رمان‏نویس پنجاب بی‏تردید سیک خوشوانت‏سینگ‏10است که رمان او با عنوان‏"آوای بلبل را نخواهم شنید"11تقویم رسای زندگی در یک جامعههء سیک در سالهای 43-1922است.سینگ نویسندهء قدرتمندی است که بسیار کم می‏نویسد.

دستاورد منطقهء کارائیب بسیار گسترده است و شاید بهتر آن باشد که با توجه به‏ ناهمگن بودن جزائر هند غربی،به جای دستاورد از دستاوردهای حرف بزنیم.ترینیداد به جامائیکا مانند نیست.ترینیداد دو تن از بهترین رمان‏نویسان هند غربی را پرورده است.از این میان وی.اس.نی‏پل‏12که برجسته‏تر است،صحنهء یکی از رمانهای‏ جدیدتر خود یعنی‏"آقای استون و شهسواران ملازم‏"13رادر یک حومهء انگلیسی قرار داده است و در آن با ای.ام.فورستر و14وی.اس.پریچت‏15که یکی از بهترین‏ نویسندگان با سابقهء داستان کوتاه است،خویشاوندی بیشتری نشان می‏دهد تا با نویسندگان هم ناحیه خود.نی‏پل پیش از آن‏که به آفرینش شاهکار ادبیات کارائیب‏ یعنی‏"خانه‏ای برای آقای بیسواس‏"16دست بزند،رمانهای رنگارنگ و شادی چون‏ "میگوئل استریت‏"17می‏نوشت."خانه‏ام برای آقای بیسواس‏"رمانی است برخوردار از قدرت عظیم کمدی و عاطفه محکم و غیر احساساتی.نویسندهء دیگر ترینیدادی یعنی‏ ساموئل سل‏ون‏18هم مانند نی‏پل تبار هندی دارد.آثار او از آثار نی‏پل ترشرویانه‏تر است و در صیقل یافتگی به پای آثار او نمی‏رسد و مهارتش بیشتر در ترسیم صحنه‏های‏ سزرندهء ترینیداد جلوه می‏کند.از این‏گونه رمانها می‏توان به‏"آفتاب تابنده‏تر"19و "جزیره،دنیائی است‏"20اشاره کرد.در"لندنی‏های تنها"21به یکی از مسائل بزرگ‏ دوران ما یعنی یگانگی نژادهای سفید و رنگین می‏پردازد.